





جامعه‌شناسی ۲

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

• سال سوم آموزش متوسطه •

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی

نام کتاب: جامعه شناسی ۲-۲۸۱/۱

شورای برنامه ریزی: حمید پارسانیا، غلام رضا جمشیدیها، علی ربانی خوراسگانی، سعید زاهد زاهدانی، محمد ابراهیم فیاض، حسین کچویان، حسن ملکی، لطیف عیوضی، یارمحمد بای، حسن جعفریان، محمدشریف متولی، فریدون ملای بحری، محمد مهدی ناصری، آرزیتا بیدقی، الدوز تبریزی، رقیه رودسرایی، ربابه فتحی، فهیمه میرصانع.

مؤلف: حمید پارسانیا

همکاران تألیف:

گروه اول: نصرالله آقاجانی، حسن خیری، نعمت الله کرم الهی، ابراهیم فتحی، شمس الله مریجی، گروه دوم: آرمین امیر، سجاد صفار هرنندی، روح الله نامداری، نادر نور محمد.

ویراستار: حسن ستایش

آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)، تلفن: ۹-۱۱۶۱۱۶۱۸۸۳۰۰ دورنگار: ۹۲۶۶۰۸۸۳۰ کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب سایت: www.chap.sch.ir

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک و صفحه آرا: سعید صادقی

تصویرگر: امیر نساجی

عکاسان: حاج حسین بهرامی، بهاره اصلانی، مجید ناگهی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران

تهران، کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۱ (دارو پخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱ دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰ صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

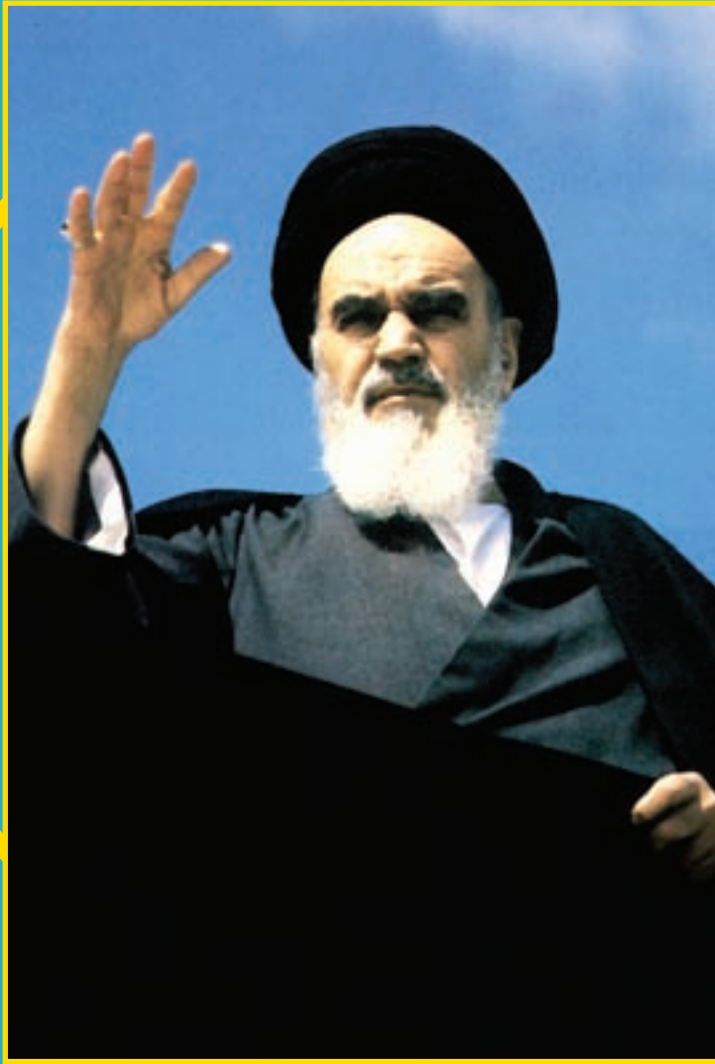
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: ۱۳۹۰/اول

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۱۹۸۲-۰ ISBN 978-964-05-1982-0

۱۳۹۰



○ خود فراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد لایتناهی روح آدمی و بی توجهی نسبت به استعداد های بشر در پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده اند و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و سلطه ماده گرایان و دنیا پرستان بر بخش وسیعی از جهان از یکسو و ناتوانی مکاتب و اندیشه های مختلف در ارائه مسیری روشن و تفسیری مطمئن از انسان، بر این سیر قهقراپی و از خود بیگانگی افزوده اند. در این میان تنها منادیان توحید و انبیا و پاسداران حریم ارزشها و معنویت ها بوده اند که تربیت انسان را وجهه جهاد مستمر خویش قرار داده و همنا با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به سوی کمالات و ارزشهای متعالی هدایت کرده اند.

○ امام خمینی ○

فصل اول ۷ جامعه و فرهنگ

- اهداف فصل ۸
 - درس اول ۹ گستره جهان اجتماعی
 - درس دوم ۱۴ نظام اجتماعی
 - درس سوم ۲۱ فرهنگ ۱
 - درس چهارم ۲۸ فرهنگ ۲
-

فصل دوم ۳۷ هویت و فرهنگ

- اهداف فصل ۳۸
 - درس پنجم ۳۹ هویت
 - درس ششم ۴۴ هویت فردی و اجتماعی
 - درس هفتم ۵۳ باز تولید هویت اجتماعی
 - درس هشتم ۵۸ تغییرات هویتی و تحولات اجتماعی
 - درس نهم ۶۳ تحولات هویتی فرهنگ
 - درس دهم ۶۸ از خود بیگانگی فرهنگی
 - درس یازدهم ۷۴ هویت ایرانی
-

فصل سوم ۷۹ قدرت و سیاست

- اهداف فصل ۸۰
- درس دوازدهم ۸۱ قدرت و اقتدار
- درس سیزدهم ۸۶ نظام سیاسی
- درس چهاردهم ۹۱ انواع نظام سیاسی
- منابع ۹۶



فصل اول
جامعه و فرهنگ

فصل اول / جامعه و فرهنگ

○ انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش‌آموز:

- گسترهٔ جهان اجتماعی را بداند و قلمروهای مختلف آن را از هم تشخیص دهد.
- بداند همهٔ پدیده‌های درون جهان اجتماعی فراورده و محصول کنش‌های انسانی نیستند.
- تفاوت و تشابه دو مفهوم نظام اجتماعی و جهان اجتماعی را توضیح دهد.
- مفاهیم ساختار اجتماعی و نهاد اجتماعی را تعریف کند.
- نسبت فرهنگ و جامعه را تحلیل کند.
- به اهمیت نهادهای فرهنگی پی ببرد و به عضویت در آنها برای مشارکت در فرایند تولید، انتقال و عمق بخشیدن به فرهنگ علاقمند گردد.
- توانایی نقد و داوری فرهنگ‌ها را در سطوح هنجارها، ارزشها و عقاید پیدا کند.
- فرهنگ واقعی، فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق را توصیف کند.
- برای نزدیک شدن فرهنگ واقعی به فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق، احساس مسئولیت کند.



درس اول

گستره جهان اجتماعی

پدیده‌های درون جهان اجتماعی

جهان واژه‌ای است که برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود مانند جهان طبیعت، جهان غرب و جهان اجتماعی نیز به مجموعه پدیده‌هایی دلالت می‌کند که در محدوده زندگی اجتماعی انسان‌ها قرار می‌گیرند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر درون این مجموعه قرار می‌گیرند؟

خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، کوهها، خیابان، بیابان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب، خورشید، اتوبوس، هواپیما.

• برای پاسخ به پرسش بالا، جدول صفحه بعد را تکمیل کنید؛ پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی قرار دارند در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی قرار دارند در ستون دوم بنویسید. مواردی را که درباره آن‌ها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.



ردیف	درون جهان اجتماعی	بیرون جهان اجتماعی	؟
۱	خانواده	فلزات	زلزله
۲			
۳			
۴			

● معیارشناسایی پدیده‌های جهان اجتماعی

ما برای شناخت پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند به معیار و قاعده نیاز داریم، آیا قاعده‌ای وجود دارد تا براساس آن پدیده‌های یاد شده را شناسایی کنیم و به درست یا غلط بودن تشخیص خود پی ببریم؟

هر چیزی که با زندگی اجتماعی انسان ارتباط داشته باشد درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرد. براساس این قاعده، کنش‌های اجتماعی انسان‌ها و پیامدهای آن‌ها به جهان اجتماعی تعلق می‌گیرند. احترام به قانون یک کنش اجتماعی است؛ خانواده

پدیده‌ای است که با کنش‌های اجتماعی انسان به وجود می‌آید؛ امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند. همه این امور از این جهت که با زندگی انسان‌ها ارتباط دارند درون جهان اجتماعی جای می‌گیرند.

ما می‌دانیم زلزله یا خشکسالی پدیده‌های طبیعی هستند، و از این جهت درون جهان اجتماعی قرار نمی‌گیرند، اما این دو پدیده تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند.

انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی را وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی را انجام می‌دهند؛ آن‌ها





خانه های خود را به گونه ای می سازند که در برابر زلزله مقاوم باشند؛ انبارها و سیلو های را بنا می کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. آنها در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه هایی را برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب، ابداع می کنند و کشاورزی متناسب با همان آب و هوا را بر می گزینند.

بنابراین زلزله، خشکسالی و آب و هوا پدیده های جهان طبیعی هستند ولی از جهت ارتباطی که با زندگی اجتماعی پیدا می کنند، درون جهان اجتماعی قرار می گیرند.

- درباره فئات و ابعاد اجتماعی آن و ارتباط آن با آب و هوای فلات ایران گفت و گو کنید.
- با توجه به آنچه در این بخش خواندیم، پدیده های ستون سوم جدول را دوباره بازنویسی کنید. به نظر شما این موارد به کدام جهان تعلق دارند، جهان طبیعی یا جهان اجتماعی یا هر دو؟



○ بسط جهان اجتماعی

مطمئناً بسیاری از موجودات، بیرون از جهان اجتماعی وجود دارند؛ یعنی در جهان طبیعی یا ماوراء طبیعی. به نظر شما آیا این موجودات می توانند در ارتباط با زندگی اجتماعی انسانها قرار گیرند و از این جهت در گستره جهان اجتماعی نیز وارد شوند؟

می دانیم که خداوند سبحان، فرشتگان، ستارگان، کهکشانها، فلزات، جمادات، کوهها، بیابانها، جنگلها، و بسیاری از حیوانات، قبل از انسان وجود داشته اند و اگر انسانها



نیز از بین بروند همچنان وجود خواهند داشت؛ به تعبیر دیگر این امور محصول کنش انسانها نیستند، ولی از برخی جهات می‌توانند با جهان اجتماعی انسان ارتباط داشته باشند و به جهان اجتماعی وارد شوند.

انسانها با شناخت فلزات و وسایل و ابزارهای جدید می‌سازند. و این ابزارها به نوبه خود در نحوه زندگی آنان اثر می‌گذارد.

شناخت ستارگان امکان پیدا کردن راه‌ها در بیابانها و دریاها را فراهم می‌آورد و این پدیده سفرها و مهاجرت‌های انسانی را گسترش می‌دهد. رفتار شتابزده و نابخردانه انسان، طبیعت و محیط زیست را آلوده می‌کند و این آلودگی فرصت‌های زندگی اجتماعی را محدود می‌کند.

شناخت خداوند و فرشتگان و جهان ماوراء طبیعی، آرمانها و ارزشهای زندگی آدمیان را تغییر می‌دهند، و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

سنت‌های الهی نیز با انسانهای شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت‌پیشگان می‌گشاید و ستم‌پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.

بنابراین هر یک از موجوداتی که بیرون از جهان اجتماعی حضور دارند به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، می‌توانند در گستره جهان اجتماعی نیز قرار گیرند.

- درباره پدیده‌هایی که در ستون دوم جدول مربوط به این درس نوشته‌اید، یک بار دیگر تأمل کنید. در چه صورتی می‌توان پدیده‌های مربوط به این ستون را در ستون اول قرار داد؟
- آیا پدیده‌های گذشتگان، آیندگان، سیاهچاله، ویروس درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟ چگونه؟





• اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید .

گسترهٔ جهان اجتماعی ، ، ،

..... ، ، ،



• مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید.^۱ در این قسمت یا مفاهیم کلیدی را تعریف می کنید یا ارتباط آن ها را دو به دو نشان می دهید.

تمامی پدیده ها به واسطهٔ ارتباطشان با زندگی اجتماعی انسان، در گسترهٔ جهان اجتماعی قرار می گیرند

.....

.....

.....



• در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت "خلاصه کنید" نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب بند یا پاراگراف بنویسید.

• فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفتید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آن ها را انتخاب کنید و به نام نویسندهٔ آن، در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس چه دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است.



● ساختار اجتماعی

ساختمان یک ورزشگاه را در نظر بگیرید اگر ورزشگاه در اثر یک حادثه طبیعی یا غیرطبیعی فرو ریزد، بسیاری از اجزا ساختمان در محل حادثه باقی می‌مانند. به نظر شما چرا این اجزا را دیگر نمی‌توان ساختمان نامید؟

اجزا ساختمان دارای ارتباط و چینش منظم هستند، نوع ارتباط و چینش اجزا، آن‌ها را به صورت ساختمان درآورده است، یک ساختمان هنگامی برای ورزش مناسب است که چینش و ارتباط عناصر و اجزا آن متناسب با ورزشگاه باشد.

● فرو ریختن ورزشگاه Hillsborough در سال ۱۹۸۵



از نوع ارتباط و پیوندی که بین اجزاء یک ساختمان وجود دارد با نام ساختار ساختمان یاد می شود. اجزا و مصالح ساختمان تا هنگامی که در ساختمان قرار نگرفته باشند، انبوهی از آهن، پاره چوب، خاک، سنگ، سیمان و مانند آن هستند. این عناصر پراکنده هنگامی در مجموعه ساختمان قرار می گیرند و جزئی از آن می شوند که در ساختار ساختمان واقع شوند.

مجموعه پدیده هایی که در جهان اجتماعی قرار دارند بدون شباهت به اجزا و عناصر یک ساختمان نیستند. این پدیده ها اگر ارتباط و پیوندی با یکدیگر نداشته باشد، درون جهان اجتماعی قرار نمی گیرند. پدیده های جهان اجتماعی به سبب همین نظم و ارتباطی که با یکدیگر پیدا می کنند، به جهان اجتماعی وارد می شوند. به همین دلیل آدم های ناشناسی که به طور اتفاقی با هم برخورد می کنند یک جهان اجتماعی را تشکیل نمی دهند.

از نوع ارتباط و پیوندی که بین پدیده های اجتماعی وجود دارد با نام ساختار اجتماعی یاد می شود. جهان اجتماعی بدون ساختار نمی تواند وجود داشته باشد.

• کلاس درس خود را به مثابه یک مجموعه در نظر بگیرید. پنج مورد از اجزا و عناصر این مجموعه را یادداشت کنید و نوع ارتباطی را که این اجزاء با کلاس دارند در مقابل آن ها بنویسید.



ردیف	عناصر یا اجزا	رابطه
۱	معلم	تدریس می کند
۲	دانش آموز
۳	کتاب
۴
۵

تفاوت نظام اجتماعی و جهان اجتماعی

ما تاکنون با مفاهیم نظام اجتماعی و جهان اجتماعی آشنا شده ایم. به نظر شما این مفاهیم چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ توجه به مفهوم ساختار اجتماعی شما را در پاسخ به این پرسش یاری می‌رساند.

جهان اجتماعی و نظام اجتماعی در واقع جدای از یکدیگر نیستند، و به همین دلیل شناخت تفاوت‌های آن‌ها نیازمند به دقت است. برای شناخت تفاوت این مفهوم مثال مجموعه ورزشی را به یاد بیاورید. هنگامی که درباره یک ساختمان ورزشی گفت و گو می‌کنیم از سه امر زیر می‌توانیم سخن گوئیم.

۱. مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه

۲. ساختار ورزشگاه

۳. ساختمان ورزشگاه

ما می‌دانیم این سه مفهوم در واقعیت از هم جدا نیستند؛ یعنی ما ساختمانی را بدون ساختار و بدون عناصر و اجزاء آن نمی‌توانیم پیدا کنیم. با این وجود هر یک از این سه مفهوم معنای خاص خود را دارد:

۱. مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه: همه اجزا و عناصر دخیل در ساختمان از قبیل سنگ، چوب، آهن و ... را در بر می‌گیرد.

۲. ساختار ورزشگاه: از نظم و ارتباط بین اجزا و عناصر حکایت می‌کند.

۳. ساختمان: مفهومی است که از اجزا و عناصر با نظر به ساختار و ارتباطی که با هم دارند حکایت می‌کند.

جهان اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی نیز، نظیر مفاهیم سه گانه بالا هستند. این سه مفهوم را به صورت زیر می‌توان تعریف و مقایسه کرد.

۱. جهان اجتماعی: مجموعه پدیده‌هایی است که در گستره زندگی اجتماعی انسان قرار می‌گیرند.

۲. ساختار اجتماعی: نوع ارتباط، نظم و چینش پدیده‌هایی است که در جهان اجتماعی واقع می‌شوند.

۳. نظام اجتماعی: مجموعه پدیده‌های جهان اجتماعی از نظر ساختار و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌باشد

بنابراین تفاوت جهان اجتماعی و نظام اجتماعی در این است که جهان اجتماعی از مجموعه پدیده هایی حکایت می کند که مربوط به اجتماع هستند و نظام اجتماعی همان مجموعه پدیده ها را از جهت ساختار و ارتباطی که با هم دارند مورد توجه قرار می دهد.

• با تکمیل جدول زیر مفاهیم سه گانه جهان اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی را در مورد خانواده به کار ببرید.



خانواده	جامعه	ساختمان ورزشگاه
.....	جهان اجتماعی	مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه
روابط همسری، فرزندى	ساختار اجتماعی	ساختار ورزشگاه
.....	نظام اجتماعی	ساختمان ورزشگاه



● نهاد اجتماعی

هر نظام اجتماعی به بخش‌ها و اجزایی تقسیم می‌شود، که از آن‌ها با نام خرده نظام یاد می‌شود. به نظام اجتماعی هنگامی که با خرده نظامهای درونی آن در نظر گرفته شود، نظام اجتماعی کل می‌گویند. به نظر شما نسبت اجزاء درونی هر خرده نظام با یکدیگر و نسبت خرده نظامها با نظام اجتماعی کل چگونه است؟

ساختمان یک ورزشگاه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. مثل مکان بازی، جایگاه تماشاگران، محل استقرار کادر خدماتی و...

هر یک از بخش‌های ساختمان، نظام و ساختار متناسب با خود را دارد. طول و عرض زمین بازی متناسب با نیازهای بازی است. بخش اداری ساختمان مناسب با کار کارمندان است.

همان گونه که هر یک از بخش‌ها دارای ساختار مناسب با خود است. مجموعه بخش‌ها دارای نظم و ساختار کلانی هستند که مربوط به کل ورزشگاه است. یعنی بخش‌های مختلف ساختمان علاوه بر ساختار درونی در یک ساختار بزرگ با یکدیگر هماهنگ هستند.

مثلاً، زمین بازی به گونه‌ای است که در معرض دید تماشاگران و داوران باشد. و محل تماشاگران به گونه‌ای است که مشرف بر زمین بازی باشد. درها و مسیرهای خروجی ورزشگاه در مکانهایی است که امکان خروج تماشاگران به ساده‌ترین و سریع‌ترین صورت وجود داشته باشد.

در نظام اجتماعی کل نیز، خرده نظامهایی وجود دارد. به هریک از این خرده نظامها در صورتی که نقش مهم و تعیین کننده‌ای در نظام اجتماعی کل داشته باشد، یعنی؛ یکی از نیازهای اساسی آن را بر طرف کند نهاد اجتماعی می‌گویند. سیاست، اقتصاد، آموزش و پرورش، خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هستند.





هر یک از نهادهای اجتماعی دارای یک ساختار درونی است، و همه آن‌ها در یک ساختار بزرگ تری که مربوط به جامعه است قرار دارند.

۱. بعضی از عناصر و اجزاء هر یک از نهاد های اجتماعی مثل خانواده، اقتصاد و سیاست را به خاطر بیاورید و درباره روابط و ساختار این اجزاء گفت و گو کنید.
۲. به چند گروه تقسیم شوید و درباره ساختار و روابطی که بین نهادهای مختلف جامعه وجود دارد، گفت و گو کنید.





جهان اجتماعی ، نظام اجتماعی ،

.....

.....



جهان اجتماعی مجموعه پدیده هایی است که در گستره زندگی اجتماعی انسان
قرار می گیرند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

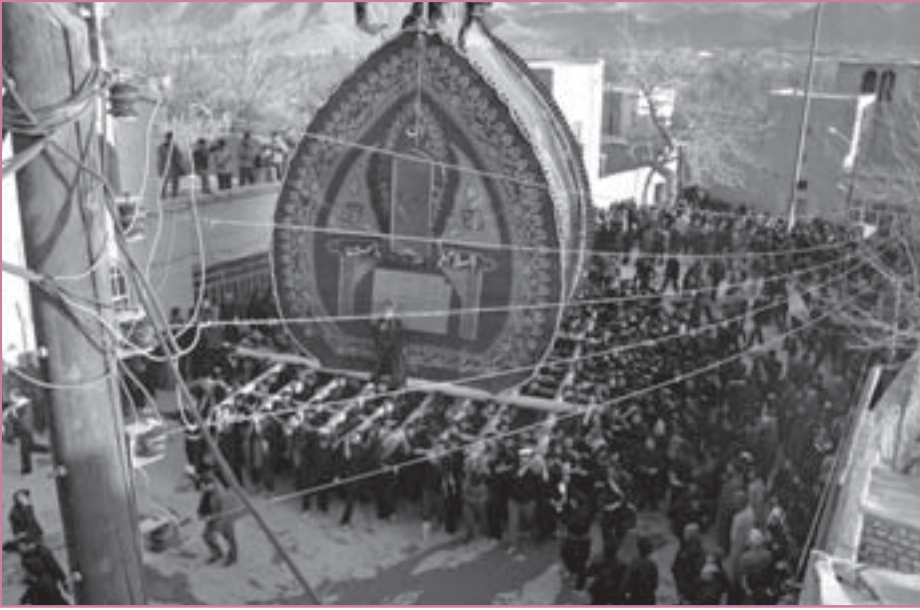


● مفهوم فرهنگ

ما با دو واژهٔ جامعه و فرهنگ آشنا هستیم، و این دو واژه را در بسیاری موارد «با هم» به کار می‌بریم. به نظر شما بین این دو واژه چه تفاوت معنایی وجود دارد؟ و چه نسبتی با هم دارند؟

هنگامی که در مسافرت به شهر جدیدی وارد می‌شوید افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن جا بمانید و با آن‌ها زندگی کنید، به تدریج با شیوهٔ زندگی و نحوهٔ ارتباطات آن‌ها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه است و آنچه به تدریج از شیوه و نوع زندگی آن‌ها فرا می‌گیرید، فرهنگ است.

جامعه به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که در طی سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند. فرهنگ مربوط به شیوهٔ زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. برای مثال نوع خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، شیوه‌های یاددهی - یادگیری، باورها و ارزشهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و ... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.



فرهنگ و جامعه جدای از یکدیگر نمی توانند باشند. جامعه، بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی آید. جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک موجود زنده می توان تشبیه کرد. جامعه در حکم جسم و کالبد و فرهنگ در حکم جان و روح است. جوامع مختلف شیوه های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آن ها در این است که فرهنگ گریزی نیست بلکه پدیده ای اکتسابی و آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می نامند.

● وقتی وارد جامعه ای می شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می برید؟
از ویژگی های فرهنگ اسلامی پنج مورد را بیان کنید.



● فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ

در ایران برای تشکیل خانواده و ورود به زندگی مشترک زناشویی آداب و رسومی مانند خواستگاری رایج است. آیا مراسم خواستگاری در همه نقاط ایران یکسان است؟ آیا می توانید بعضی از تفاوت ها و شباهت های آن را بیان کنید؟

ما ایران را کشور خود می دانیم. صداقت و راستگویی را ارج می نهیم، حقیقت را پاس می داریم، ظلم و بی عدالتی را بد می شماریم. احترام به پدر و مادر را لازم می دانیم.





انسان های ایثارگر و فداکار را تحسین می کنیم. اما ما همه با یک گویش واحد سخن نمی گوییم، بخش هایی از مردم ایران با زبانهای متفاوتی حرف می زنند، مردم هر شهر از خصوصیات رفتاری و اخلاقی خاص خود برخوردارند. هر صنفی ارزشها، مقررات، مهارتها و دانش های خاصی دارد. کسی که ارزشها، مقررات و مهارتهای مربوط به یک صنف را نشناسد، نمی تواند به آن صنف وارد شود. معلمان و پزشکان، دانشها و مهارتهای ویژه خود را دارند. آنها برای کسب این آگاهی ها سالیان متمادی به تحصیل می پردازند. آن بخش از فرهنگ که مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی آن جامعه را تشکیل می دهد، و بخش هایی که مربوط به گروه، قوم، قشر، صنف و گروه های خاص است، خرده فرهنگ نامیده می شود.



خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند اغلب با فرهنگ عمومی سازگار هستند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزشها، قواعد، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده فرهنگ، مخالف و مغایر با ارزشها، عقاید، قواعد و هنجارهای فرهنگ عمومی باشد، در این صورت این خرده فرهنگ را ضد فرهنگ می‌نامند. خرده فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ است. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می‌گویند. مثل خرده فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.

• یکی از خرده فرهنگ‌هایی را که ضد فرهنگ عمومی جامعه ماست معرفی و دلیل ضدیت آن را تشریح کنید؟



• نهادهای فرهنگی

شما با مفاهیم فرهنگ و نهاد اجتماعی آشنا هستید و بارها در رسانه‌های دیداری و شنیداری با اصطلاح نهادهای فرهنگی مواجه شده‌اید. آیا می‌توانید با استفاده از تجربیات و دانسته‌های خود بگویید منظور از نهاد فرهنگی چیست؟

هر نهاد اجتماعی، علاوه بر آن که از فرهنگ عمومی جامعه استفاده می‌کند، خرده فرهنگ مربوط به خود را نیز دارد. مثلاً نهاد اقتصاد، فرهنگ مخصوص خود را دارد. هر نهاد اقتصادی با عقاید، ارزشها، هنجارها، قواعد، مهارت‌ها و فنون مربوط به خود شکل می‌گیرد. جمع‌آوری و انباشت مال و ثروت، خدمت به خانواده و جامعه، انفاق و کسب رضای الهی، عقاید و ارزش‌های مختلفی هستند که می‌توانند انگیزه فعالیت‌های اقتصادی انسانها باشند، قوانین و هنجارهای مختلفی در معاملات و فعالیت‌های



اقتصادی وجود دارد، و هر کار اقتصادی نیز فنون و مهارت‌های مربوط به خود را دارد. فرهنگ‌های مختلف، نظام‌های اقتصادی متفاوتی دارند.

در نظام سرمایه‌داری، افزایش ثروت، از ارزشهای اصلی نهادهای اقتصادی است و ربا از قواعد و هنجارهای پذیرفته شده آن است. در نهاد اقتصادی اسلامی، افزایش و انباشت سرمایه، هدف اصلی نیست، بلکه عدالت و قسط از ارزشهای اصلی اقتصادی است. نهادهای اقتصادی در فرهنگ اسلامی از ربا و قواعدی که مخالف شریعت اسلام باشد، منع شده‌اند اما آن‌ها می‌توانند از روشها و فناوری‌های گوناگون در چارچوب هنجارها و ارزشهای اسلامی استفاده کنند.

با آن که نهاد اقتصادی و دیگر نهادهای اجتماعی، ابعاد فرهنگی دارند ولی هیچ کدام از آن‌ها نهاد فرهنگی نیستند. نهاد فرهنگی نهادی است که، از طریق آموزش و تربیت، به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد، فرهنگ را تولید می‌کند و استمرار می‌دهد؛ یا به آن عمق و غنا می‌بخشد؛ مانند: خانواده، رسانه، آموزش و پرورش و آموزش عالی. از آنجا که بخش قابل توجهی از فرهنگ عمومی در خانواده به فرزندان منتقل می‌شود، خانواده را می‌توان یک نهاد فرهنگی دانست، رسانه‌های عمومی و آموزش و پرورش نیز، در انتقال فرهنگ عمومی نقش دارند. آموزش عالی بیشتر خرده فرهنگ‌های سایر نهادها اجتماعی را تأمین می‌کند. یعنی آموزش عالی، دانش تخصصی مورد نیاز سایر نهادها را فراهم می‌آورد.

• همان گونه که نهادهای فرهنگی نیازهای فرهنگی سایر نهادها را تأمین می‌کنند، آیا نهادهای اجتماعی دیگر، نیازهای نهادهای فرهنگی را تأمین می‌کنند؟ چگونه؟





جامعه ، فرهنگ ،
.....
.....



جامعه در حکم کالبد و جسم فرهنگ است و فرهنگ مانند روح و جان جامعه است
.....
.....
.....
.....
.....



.....
.....
.....
.....
.....



● فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی

اگر آموزه‌های کتاب مطالعات اجتماعی را به خاطر داشته باشید، می‌دانید که هر جامعه‌ای دارای آرمانهای اجتماعی است. آرمانهای اجتماعی بخشی از فرهنگ هر جامعه هستند به نظر شما این بخش از فرهنگ در مقایسه با سایر بخش‌های آن چه ویژگی‌هایی دارد؟

بسیاری از ارزشها، معیارها و شیوه‌های زندگی را می‌شناسیم که مردم، آن‌ها را نیکو می‌شمارند. مثلاً مردم خدمت به هم‌نوعان خود را می‌پسندند و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌دانند، دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را بد و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند، احترام به دیگران را کاری خوب و غیبت و تهمت را ناصواب می‌شمارند.

به نظر شما مردم همواره مطابق آنچه خوب می دانند عمل می کنند یا آنکه برخی از رفتارهای آنان برخلاف ارزشها و هنجارهایی است که از آن ها هواداری می کنند؟ بسیاری از ارزشها و هنجارهای یاد شده را اغلب افراد جامعه رعایت می کنند و برخی از آنها را، بعضی از گروه ها یا افراد در عمل رعایت نمی کنند.

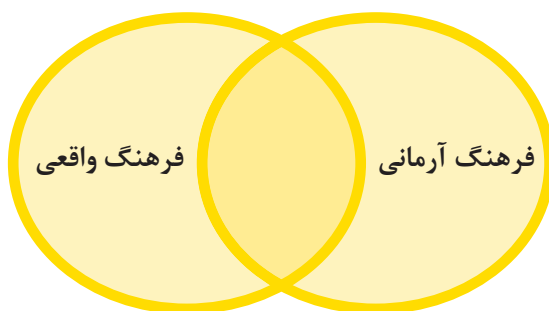
بخشی از فرهنگ را که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند فرهنگ آرمانی می نامند.

فرهنگ واقعی آن بخش از فرهنگ است که مردم به آن عمل می کنند.

بخشی از فرهنگ واقعی می تواند در حوزه فرهنگ آرمانی باشد. یعنی مردم مطابق با ارزشها و هنجارهایی عمل می کنند که رعایت آنها را لازم و مهم می دانند. بخشی دیگر می تواند از مواردی باشد که در سطح آرمانها رعایت آن را لازم نمی دانند. بنابراین بخشی از فرهنگ واقعی خارج از فرهنگ آرمانی واقع می شود و بخشی از فرهنگ آرمانی نیز بیرون از فرهنگ واقعی قرار می گیرد.



● سوپرمن‌های آمریکایی ● کلاه به سرهای ابوغریب



مدیران و برنامه ریزان فرهنگی جامعه تلاش می کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند. آن ها کوشش می کنند بخشی از فرهنگ آرمانی را که خارج از فرهنگ واقعی است به قلمرو فرهنگ واقعی وارد نمایند.



- در جدول زیر، سه نمونه از فرهنگ آرمانی جامعه خود را که بیرون از فرهنگ واقعی است و سه مورد را که درون فرهنگ واقعی است، بنویسید.
- بایکدیگر درباره راهکارهای تحقق آرمانهایی که در فرهنگ واقعی حضور ندارند گفت و گو کنید.
- خود را یک مدیر فرهنگی فرض کنید و راهکارهای پیشنهادی تان را برای ارتقاء فرهنگ واقعی و نزدیک شدن آن به فرهنگ آرمانی بیان کنید.

فرهنگ آرمانی

بیرون فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبار ستیزی
.....	احترام به پدر و مادر
.....



● فرهنگ حق و فرهنگ باطل

حق و باطل اغلب از ارزشهای آرمانی تاریخ بشریت بوده اند و بسیاری از فرهنگ ها رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته اند. در فرهنگ اسلامی نیز عمل به حق و پرهیز از باطل مهمترین ارزشهای اجتماعی هستند. فرهنگ های بشری را براساس رعایت این دو ارزش به دو نوع فرهنگ حق و فرهنگ باطل می توان تقسیم کرد. فرهنگ حق و فرهنگ باطل چگونه شناخته می شوند؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزشهایی که محترم می شمارند، قواعد، سنن، آداب و هنجارهایی که براساس آن عمل می کنند، شیوه و روشهایی که با آن زندگی می کنند، تکنیک ها و مهارت هایی که در زندگی به کار می گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است. بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزشهای توحیدی، وفای



● پرستش حیوانات در معابد هندوستان

